

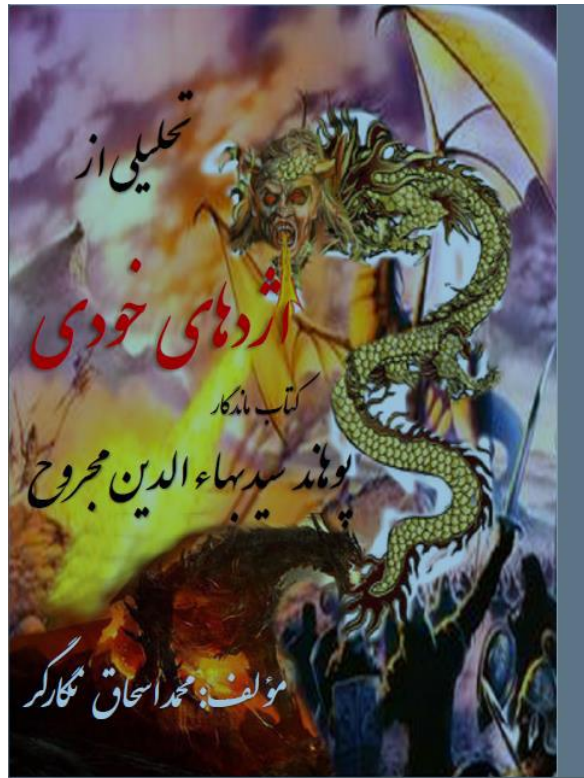


۲۰۱۸/۰۵/۳۰



م. اسحاق نگارگر

تخلیبي از اژدهای خودی



قسمت بیست و هفت

تحلیلی از اژدهای خودی کتاب ماندگار پوهاند بهاء الدین مجروح



اژدهای خودی

قسمت بیست و هفتم

بخش اول

استبداد خون آلود عصر ستالین

یادداشت امروز را در باره اژدهای خودی با نقل قولی از "گ. فدوتوف" فیلسوف و جامعه شناس روسی در باره استبداد خون آلود عصر ستالین آغاز می کنم. فدوتوف می گوید:

"باید درست هنگامی که مردم از دستگاه حاکم بیزار و متنفر هستند، برای آن اعتباری کسب کرد؛ ولی استالین از این نیز پا فراتر نهاد. او سیستمی پدید آورد که بشریت تا آن روزگار نشناخته بود. او کوشید تا همه افراد و اتباع کشور را به نابکاری، پستی و دنائت وادارد تا از این رهگذر شخصیت و غرور انسانی آنان را درهم بشکند و مردم را به انجام هر عمل پستی وادار کند. . . هدف ستالین درهم شکستن نیروی اراده مردم برای همیشه و پلید و مُردار کردن شرف انسانی و بدل کردن افراد به خائنان دروغگو بود. چنین موجودی هرگز قادر نیست دارای صراحت باشد و با صداقت و پاکی به دیده دیگر کسان بنگرد. این گونه افراد به هر کار پستی تن در می دهند. . . از متهمان شکنجه دیده و درهم کوفته می خواهند که خود را مورد مذمت و سرزنش قرار دهند و از آرمان ها و اندیشه های خود ابراز پشیمانی کنند. در این جا باز نشانه های همان هدف کذابی مشهود است و آن درهم شکستن شخصیت نویسندگان و دانشمندان است.

نویسنده دانشمند در خود احساس شخصیت میکند. او از این که در خدمت دانش و هنر قرار گرفته است احساس غرور میکند. حال آنکه او خدمتگزار ماست و از دولت حقوق می گیرد. از این رو هرگز نباید فراموش کند که فاحشه و خود فروشی بیش نیست."

می دانیم که درس خواندگان و تعلیم یافتگان به حکم دانشی که آموخته اند قضایا را به سادگی نمی پذیرند و در باره درستی و نادرستی آن استدلال و جر و بحث ها می کنند و منطق دستگاه های حاکم و استبدادی را به مبارزه می طلبند و حال آنکه استبداد راست گرا و چپ گرا هر دو شخصیت رهبران سیاسی را مطلق می سازند و رهبران سیاسی خود را مصون از خطا می

پندارند و برای خطاهای آشکار و کاملاً مشهود رهبران سیاسی توجیهات ایدئولوژیک می‌تراشند به همین دلیل آب درس خوانندگان و تعلیم‌یافتگان کنجکاو و نقاد با استبداد حاکم در یک جوی نمی‌رود و نظام‌های استبدادی اگر توانستند آزاد اندیشان را در برابر بُت مطلقیت و ایدئولوژی پرستی به زانو بیفکنند و آنان را از جوهر نقادی و ایستادگی در برابر تبعیضی کورکورانه خالی نمایند و شاهین اندیشه‌شان را به مرغ خانگی و دانه چین خود بدل نمایند که خود به مقصود رسیده‌اند و اما اگر آزاد اندیشان در برابر سیاست حاکم مقاومت و سرسختی نمودند آنان را در شفاخانه‌های عقلی و عصبی زندانی میکنند و در بین عامه مردم به مردان مالیخولیایی و دیوانه شهرت می‌دهند چنانکه در ماه مارچ ۱۹۷۰ معلم جوانی را به نام "وی. آی. چرنیشوف" به اتهام تبلیغات خصمانه بر ضد کمونیسم توقیف و پس از سی دقیقه معاینه در زندان به مرض شیذوفرنی مزمن مبتلا تشخیص کردند و برای اینکه اتهامات خود را ثابت نمایند او را با روش‌های نازین (سیستم فراموشی کُلی) به اصطلاح تداوی و محلول‌های کیمیاوی را در مغزش تیر کردن گرفتند. (برای داستان این معلم جوان خواننده‌های کنجکاو میتوانند به کتاب "کی. جی. بی" امروز نوشته "جان بارون" صفحات ۸ و ۹ مراجعه نمایند.) بهر صورت استاد مجروح همین روشنفکران آزاد اندیش یا به اصطلاح کمونیست‌ها خُرده بورژوازی را که به انضباط استبدادی دکتاتور تمکین نمیکنند به گربه‌ها تشبیه نموده است که دستگاه ستالین به شهادت "سولژنتسین" در کتاب جزایر گولاگ کمر به نابودی‌شان بسته بود و چنانکه میدانیم دولت دست‌نشانده روس‌ها در افغانستان نیز تا توانست همین گونه آزاد اندیشان را در پولیگون‌های اطراف زندان پل چرخ‌کشت و بخاک سپرد. استاد مجروح زیرعنوان گربه مگار بی‌اعتنا به فرمان شهریار موضوع را مطرح می‌نماید و دوست همزنجیرش به او می‌گوید: "ای دوست رهنورد!

تو گفتی که آن شب هنگام آمدن به این سرا حتی یک گربه را هم ندیدی که از خانه‌ای بیرون آید و اما هرچند می‌جستی گربه‌ای را در این شهر نمی‌یافتی، زیرا در این شهر هیچ گربه وجود ندارد".

"خیلی متحیر گردیدم که در شهری چنین بزرگ هیچ گربه‌ای را نتوان یافت علت را از او پرسیدم این حکایت را از زبان او شنیدم." من داستان پیکار نظام را با گربه‌ها در یادداشت دیگری برای تان باز می‌گویم که حالا ساعت یک و نیم بعد از نیم شب است و خواب ظالمانه چشمان مرا به هم می‌آرد و من برای دوباره خوانی این یادداشت نیز به نیم ساعت وقت دیگر ضرورت دارم. تا یادداشت بعدی خدای بزرگ یار و مددگار دوستان باد! نگارگر ۱۸ جون ۲۰۱۴

بخش دوم

اتصال و انفصال

در بخش اول بدینجا رسیدیم که رهگذر نیمه شب متحیر بود از اینکه در شهری آن چنان بزرگ هیچ گربه‌ای را نمی‌توان یافت و دلیل آنرا از زندانی بزرگوار پرسید و او در پاسخ برایش گفت:

"زمانی در این دیار گربه‌های هررنگ بی‌شمار در کوچه و بازار گشت و گذار می‌کردند و نیز سگ‌های گوناگون، روزها آزاد می‌گشتند و شبها در جاده‌ها به غلغله می‌پرداختند. وقتی نظام کنونی برقرار گردید، در سلسله فرمان‌های جدید متکی بر نظریه نوکار فرمایان در مورد سگ‌ها و گربه‌ها نیز احکامی صادر کردند و گفتند: "گربه موجودی است خودگرا و خود اندیش، خود آرا و خودنما، طالب راحت و جوینده لذت، بی‌وفا با انسان و بی‌اعتنا به فرمان او" و گفتند: "سگ جانوری است صاحب پرست، بیدار و وفادار، خونخوار و فرمانبردار".

توضیحاً باید به عرض برسانم که استاد اصطلاح سگ را در مورد منسوبان اردو های استبدادی به کار می برد و دو نوع آن را از هم تفکیک می کند. لطفاً در متن به این توضیح دقت بفرمایید:

"روزی سربازان مسلح از سربازخانه ها بیرون آمدند، با گربه ها دلبرانه جنگیدند و همه را یکسره نابود ساختند و نیز سگ های گوناگون و ولگردی که لذت آزادی را چشیده بودند و بسا از اوصاف سگی را از دست داده بودند، از بین برده شدند؛ فقط یک گونه سگ گرگ نما در نظر فرمانروا مقام و منزلتی دارد که آن همه اوصاف را کامل در خود حفظ نموده است و اکنون هر پاسبان از همان گونه سگ گرگ نما با خود همراه دارد که هم می تواند گدایان را ببرد و هم پاسبانان را نگذارد که به خواب روند. اما از روزی که گربه ها نابود شده اند موش ها بیرون آمده اند و شمارشان به نحو سرسام آوری رو به افزایش گذاشته است. در حال حاضر موش ها لشکر لشکر به هر سو به تاخت و تاز می پردازند، گوشتخوار شده اند و بر آدمیان خفته و یا ناتوان حمله می برند. تا اکنون سربازان در جنگ خود با موشان به اندک پیروزی دست نیافته اند. بیم آن می رود که روزی موش ها این سرزمین را از وجود آدمیان پاک سازند و شهر بزرگ را در تصرف خود در آورند."

باز به عنوان توضیح باید عرض کنم که وقتی گربه ها یا به اصطلاح کمونیست ها بورژوازی و خرده بورژوازی از میان برود، رقابت در کار از میان می رود. کارگر در تصدی های دولتی تا روزگار تقاعد خود اگر کیفیت و بازده کارش خوب باشد یا نباشد باقی می ماند و از دولت معاش می گیرد و هیچ تصدی اقتصادی دیگر در جامعه وجود ندارد که با دولت رقابت کند. این گونه اقتصاد دولتی به طور اتومات نوعی مافیای اقتصادی زیر زمینی را به وجود می آورد و اقتصاد مبتنی بر قاچاق را تشویق می کند؛ چنانکه حتی محصلان افغان در اتحاد شوروی سابق نیز سر گرم همین تجارت بودند. از افغانستان ساجق، سگرت امریکایی و چیزهای از همین دست را در شوروی می بردند و از آن سو تولیدات نکلی، آب گرمی ها و دیگر چیزهای روسی را می آوردند و در کابل به اصطلاح آب می کردند. استاد مجروح مرحوم از همین تشبثات اقتصادی زیر پرده و عناصر درگیر آن به نام موش ها یاد می کند و چنانکه دیدیم همان تشبثات مافیایی و رشوه خواری های دولتی بود که کمونیزم شوروی را از پا افکند و اگر شرایط عصر "یلتسین" ادامه می یافت و "پوتین" به داد حالت زار اقتصادی روسیه نمی رسید، آن اقتصاد مافیایی روسیه را تسخیر می کرد. به هر صورت پس از ماجرای گربه ها و سگ ها و موش ها استاد بزرگوار موضوع اتصال و انفصال را در جوامع انسانی مطرح می کند که من ناگزیرم آنرا برای یادداشتی دیگر بگذارم و طومار یادداشت امروز را در همین جا بر بندم. تا یادداشتی دیگر روز و روزگار دوستان خوش باد و امیدوارم در کشور حادثه زای ما خداوند بزرگ همه را از حوادث بد در پناه خود نگاه دارد. هفته آینده ماه مبارک رمضان فرا می رسد و باید یادداشتی هم در استقبال از آن ماه و ارزش روزه از دیدگاه عرفان اسلامی بنویسم. والله اعلم بالصواب. نگارگر ۲۳ جون ۲۰۱۴ میلادی



قسمت های اول تا بیستم این مطلب را با باز نمودن اینک های پایان می توانید مطالعه فرمائید:

قسمت اول:

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/I_negargar_tahliley_bar_ajdahaaye_khodi_1.pdf

قسمت دوم

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/I_negargar_tahliley_bar_ajdahaaye_khodi_2.pdf

قسمت سوم

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/I_negargar_tahliley_bar_ajdahaaye_khodi_b_madirouh_3.pdf

قسمت چهارم

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/I_negargar_tahliley_bar_ajdahaaye_khodi_b_madirouh_4.pdf

قسمت پنجم:

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/I_negargar_ajdahay_khodi_5.pdf

قسمت ششم

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/I_negargar_tahliley_bar_ajdahaaye_khodi_b_madirouh_6.pdf

قسمت هفتم

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/I_negargar_tahliley_bar_ajdahaaye_khodi_۷.pdf

قسمت هشتم

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/I_negargar_tahliley_bar_ajdahaaye_khodi_۸.pdf

قسمت نهم

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/I_negargar_tahliley_bar_ajdahaaye_khodi_۹.pdf

قسمت دهم

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/I_negargar_tahliley_bar_ajdahaaye_khodi_۱۰.pdf

قسمت یازدهم

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/I_negargar_tahliley_bar_ajdahaaye_khodi_۱۱.pdf

قسمت دوازدهم

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/I_negargar_tahliley_bar_ajdahaaye_khodi_۱۲.pdf

قسمت سیزدهم

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/I_negargar_tahliley_bar_ajdahaaye_khodi_۱۳.pdf

قسمت چهاردهم

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/I_negargar_tahliley_bar_ajdahaaye_khodi_۱۴.pdf

قسمت پانزدهم

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/I_negargar_tahliley_bar_ajdahaaye_khodi_۱۵.pdf

قسمت شانزدهم

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/I_negargar_tahliley_bar_ajdahaaye_khodi_۱۶.pdf

قسمت هفدهم

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/I_negargar_tahliley_bar_ajdahaaye_khodi_۱۷.pdf

قسمت هژدهم

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/I_negargar_tahliley_bar_ajdahaaye_khodi_۱۸.pdf

قسمت نوزدهم

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/I_negargar_tahliley_bar_ajdahaaye_khodi_۱۹.pdf

قسمت بیستم

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/I_negargar_tahliley_bar_ajdahaaye_khodi_۲۰.pdf

قسمت بیست یک

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/I_negargar_tahliley_bar_ajdahaaye_khodi_۲۱.pdf

قسمت بیست دو

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/I_negargar_tahliley_bar_ajdahaaye_khodi_۲۲.pdf

قسمت بیست و سوم

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/I_negargar_tahliley_bar_ajdahaaye_khodi_۲۳.pdf

بیست و چهارم

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/I_negargar_tahliley_bar_ajdahaaye_khodi_۲۴.pdf

بیست و پنجم

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/I_negargar_tahliley_bar_ajdahaaye_khodi_۲۵.pdf

بیست و شش

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/I_negargar_tahliley_bar_ajdahaaye_khodi_۲۶.pdf